

آیا نزدیکی مواضع کابل - اسلام آباد متصور میباشد؟

بحث سیاست و مناسبات افغانستان - پاکستان، بخصوص از بعد منظوقوی آن، آنهم طی سال ۲۰۱۵ را باید بمثابة یکی از جمله مطالب اساسی و درخور تأمل در نظر گرفت که از جمله شامل مسأله عقبگرد کابل بجانب اسلام آباد، ارجحیت پلانهای ژئواکونومیک بر پلانها و پروگرامهای ژئوپولیتیک و همچنان جستجوی جایگاه و موقفی برای جنبش طالبان افغان بمثابة نیروی نظامی - سیاسی در منطقه میگردد.

با بقدرت رسیدن اشرف غنی بمثابة رئیس جمهور کشور (سپتمبر ۲۰۱۴)، نامبرده با دقت فراوان در صدد روابط و مناسبات جدید با نزدیکترین بازیگران منظوقوی یعنی پاکستان، چین، هندوستان و ایران شد. دلیل آن یکمورد داشت که شامل ختم وظایف محاروبی و خروج بخشهای اساسی نیروهای بین المللی یاری امنیتی (ایساف) در پایان سال ۲۰۱۴، از افغانستان میگردد.

این مسأله قابل تذکر میباشد که پروسه ایجاد و تشکیل حکومت وحدت ملی در کشور، راه دشوار و مملو از خم و پیچهایی را طی نموده و مدت زمان ۹ ماه بدر از کشید. یکی از جمله مسائل قابل بحث، این نکته بود که به چه نحوه ای میتوان بطور همزمان جایگاه نمایندگان گروههای بزرگ قومی، از یکجانب جایگاه پشتونها که بطور سنتی تعداد بیشتر آنها در مناطق و محلات جنوبی کشور بود و باش دارند و از جانب دیگر، موقف تاجیکها، از یکها و یا گروههای دیگر را در قدرت مشخص نمود؟

در نتیجه، مقام ریاست اجرائیه به عبدالله تعلق گرفت. در اوضاع و احوال کنونی، چنین بنظر میرسد که موقف اشرف غنی، تا اندازه ای از استحکام قابل قبولی برخوردار نمیشود. بنابراین، کدام نیرو یا نیروهای منظوقوی قادر به پشتیبانی از حکومت وحدت ملی در افغانستان میباشد؟ اشرف غنی بمثابة رئیس جمهور کشور، در مورد ذکر شده، در چه شرایطی جانب پاکستان را گرفت؟

طی ماههای خزان - زمستان سال ۲۰۱۴، اسلام آباد، حاکمیت جدید افغانستان را بمثابة نیرویی پنداشت که موقعیت سیاسی داخلی اش را بیش از پیش تحکیم بخشیده، بنأء اشرف غنی به پاکستان دعوت گردید. ضمن این دعوت و دیدار رهبران هر دو کشور، در مورد بسیاری از مسائل دوجانبه بحث و گفتگوهایی صورت گرفته و به تفاهمات معینی نیز نایل گردیدند. اما این موضوع را نباید فراموش نمود که برای پاکستان «مسأله پشتونها» یکی از جمله عوامل بی ثباتی در آن کشور تلقی میگردد، ساختارهای متعددی در اسلام آباد، بخصوص در مدت سی و پنج سال اخیر در مورد نحوه پشتیبانی از گروههای قومی و نژادی

در افغانستان، سیاستهای خویش را مطابق منافع پاکستان و سردمداران آن عیار نمودند.

گام دیگر اشرف غنی، انجام ملاقات و گفتگوهای مطلوبی (!) با طرفهای اسلام آباد بود، نامبرده، سیاست همکاری های متقابل با هندوستان را مورد بازنگری قرار داد. بمنظور تقلیل و کاهش روابط و مناسبات یادشده، در تطبیق عملی مواد و مفاد همکاری ستراتیژیک با هندوستان کوتاه آمد. در وضعیت کنونی و شرایط موجود در کشور، اشرف غنی نه تنها مسأله خریداری سلاح و مهمات از هندوستان را بحالت تعلیق درآورد، بلکه نیروهای نظامی کشورش را غرض قلع و قمع و مبارزه علیه جنگجویان مخالف دولت پاکستان، بشرق افغانستان فرستاد.

اقدام بعدی اشرف غنی، مبنی بر فرستادن شش نفر از نظامیان افغانستان غرض آموزش و فراگیری به اکادمی نظامی پاکستان طی ماه می سال ۲۰۱۵، نیز قابل دقت میباشد. قبل براین، در زمان حاکمیت حامد کرزی در افغانستان، جنرال مشرف، آمر قوتهای زمینی پاکستان (۱۹۹۸-۲۰۰۷) و جانشینش جنرال اشفاق پرویز کیانی (۲۰۰۷-۲۰۱۳)، پذیرش نظامیان افغان را بمنظور تعلیم و تربیه نظامی و آموزشهای حربی در اکادمی های نظامی پاکستان، بهدف ایجاد اعتماد متقابل و کاهش نفوذ و اثرگذاری هندوستان، بجانب افغانی پیشنهاد نمودند، اما مسأله متذکره مورد تردید حامد کرزی، رئیس جمهوری سابق افغانستان واقع گردیده و در عوض عده ای از افسران کشور را غرض ادامه تحصیلات نظامی به کشور هندوستان فرستاد.

مقامهای نظامی پاکستان اظهار میدارند که تحکیم مناسبات دوجانبه افغانستان - پاکستان و درگام نخست استحکام مناسبات نظامی از اهمیت فوق العاده مهمی برخوردار میباشد، با توجه به اعلامیه چندی قبل اداره مناسبات اجتماعی و رهبری قوای مسلح پاکستان مبنی بر اینکه شواهدی وجود دارد که برمبنای آن فعالیتها و اقدامات خرابکارانه خدمات ویژه هندوستان در اراضی ایالت بلوچستان و در مناطق قبایلی اداره فدرال در سرحد با افغانستان، صورت میگیرد.

مجدداً به افغانستان برگشته و متذکر باید شد که در طول مدت زمان سیزده سال (۲۰۰۱-۲۰۱۴)، با انجام عملیات ضد تروریستی ایساف در افغانستان، مخالفین دولت افغانستان نه تنها به تجدید نیرو و سازماندهی بیشتری پرداختند، بلکه در شرایط کنونی، نیروی بیشتر نظامی و سیاسی را با خود به همراه داشته و حملات انتہاری در کشور را بمثابة حملات سنتی پنداشته و در بسیاری از شهرها و مناطق کشور براه می اندازند.

در سال ۲۰۱۵، نظر به موجودیت دلایلی، فعالیتهای مخالفین مسلح کشور در یک سلسله از ولایتهای افغانستان قوت گرفت. طالبان بصورت مجدد این مسأله را یادآور میگردند که در صورت موجودیت قوای خارجی در افغانستان، نمیتوان از مستقل بودن کشور حرفی بمیان آورد. اما از جانب مقامات حکومتی کشور در مورد قطع فعالیتهای جنگی و محاربوی و احترام به قانون اساسی کشور، پیشنهادهای طرح گردیده، اما اینهمه آرزومندیها و خواستها بیجواب مانده و مراتب تشویش و نگرانی های فراوانی را بیار آورد.

پرویز مشرف، رئیس جمهور قبلی پاکستان، طی مصاحبه ای با روزنامه گاردین، ارتباطات و مناسبات میان طالبان افغان و سازمان استخبارات نظامی پاکستان (آی.اس.آی) را در آغاز سال ۲۰۰۰، مورد تایید قرار داد، در همین سال، جنگجویان گروه یادشده در مبارزه ضد هندی نیز بکار گرفته شدند. بسیاری از مبصرین و آگاهان امور، در این امر متفق الرأی میباشدند که حوادث مربوط بکشور ما، ممکن در چند جهت

سیر نماید. شگاف بیشتر میان مخالفان مسلح (میان جنگجویان محلی و گروه‌بندی‌های خارجی) و برسمیت شناختن بخشی از جنبش طالبان توسط اداره کابل با انتقال مسوولیت‌های رهبری چند ولایت. همچنان از مخالفان مسلح درخواست گردید تا بیش از این به جنگ نیابتی و به جنگ با دست‌های دیگران در افغانستان نقطه پایان بگذارند. اما دیده میشود که مسیر مخالفت جنگجویان یا در صفوف «داعش»، در بخش‌های شمال و شمال‌شرق سرحدات تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و یادر تداوم مقاومت مسلحانه در زمین خانه صورت می‌گیرد.

تقویت بیشتر تأثیرگذاری اسلام آباد در پروسه داخلی امور مربوط به افغانستان، همچنین ناشی از ظهور و ایجاد طرح نیرومند کریدور اقتصادی چین – پاکستان در بخش زیرساخت‌های جامعه میباشد. تفاهمنامه ای که در ماه اپریل سال روان به امضا رسید، در نخستین گام، مبلغ ۴۶ میلیارد دالر سرمایه گذاری در بخش متذکره صورت می‌گیرد. ساخت و ایجاد تأسیسات نیرومند ستراتیژیک که بخشی از آن بنحوی اجرا خواهد شد تا بصورت غیرمستقیم به سرحدات افغانستان نزدیک شوند. این واقعیت را نباید فراموش نمود که اسلام آباد از هر رهگذر در صدد ایجاد سیستم مدافعی امنیت پاکستان بوده و با استقرار سازو کارهای نظامی و سهمگیری شرکت‌های عمده و بزرگ اقتصادی بمنظور اجرای آن از بذل مساعی دریغ نمی‌ورزد.

نباید فراموش نمود که ژئوپولیتیک بصورت تدریجی به ژئوآکونومیک در منطقه مبدل میگردد. این بخودی خود، ضرورت جستجو و دستیابی به روش‌های جدید توسط حکومت کشورهای همجوار و اولویت‌های جدید بمنظور دفاع از منافع ملی را در دستور روز قرار میدهد.